



درباره جنبش چپ

انقلابی شیخی MIR

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

"توضیح"

این اثر از جمله آثاری است که توسط هواداران سازمان ما ترجمه و تنظیم گردیده و در اختیار ما قرار گرفته است .

از آنجا که انتشار آثار جنبش کارگری و آزادیبخش جهان می تواند در ارتقاء دانش سیاسی و پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش موثر واقع شود ، اقدام به انتشار آنها از جمله این اثر می کنیم .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، ضمن ارج نهادن بر کار هواداران ، در حد امکانات خود در بهبود کیفی ترجمه این آثار می کوشد و از کلیه خوانندگان مبارز این کتاب تقاضا دارد که انتقادات و پیشنهادات خود را در مورد این اثر و به طور کلی کلیه انتشارات سازمان ، برای ما ارسال دارند .

لازم به تذکر است که چاپ این آثار الزاما " به معنی تایید تمام مواضع مطرح شده در آنها از طرف سازمان نمی باشد .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۳۵۸/۲/۲۵

www.KetabFarsi.com

فهرست

| صفحه | |
|------|----------------------------------|
| ۳ | ۱- درباره "جنبش چپ انقلابی" شیلی |
| ۸ | ۲- مقدمه |
| ۹ | ۳- وظایف حزب انقلابی |
| ۱۵ | ۴- تربیت مبارز انقلابی |
| ۱۵ | - تربیت ایدئولوژیکی |
| ۱۶ | - تربیت سیاسی |
| ۱۷ | - تربیت سازمانی - تشکیلاتی |
| ۱۹ | - تربیت نظامی |
| ۲۰ | - تربیت تکنیکی - فنی |
| ۲۰ | - تربیت اخلاقی |
| ۲۶ | ۵- حزب: یک آموزشگاه انقلابی |
| ۲۶ | ۱- جوانب پروسه پرورش |
| ۲۶ | الف - آموزش و تعلیم |
| ۲۷ | ب - تجربه حزبی |
| ۲۸ | پ - آموزش از طریق سرمشق گرفتن |
| ۲۹ | ت - تفکر انتقادی |
| ۲۹ | ۲- پرورش و آموختن در درون حزب |
| ۳۰ | الف - آموزش فردی |
| ۳۱ | ب - آموزش سیستماتیک |
| ۳۲ | پ پ - آموزش مداوم |
| ۳۵ | ت - انتقاد و انتقاد از خود |
| ۳۶ | د - نقش عمل |
| ۳۶ | ژ - نقش سرمشق سازی |
| ۳۸ | ۶- تربیت کادر و ساخت سازمانی حزب |
| ۴۰ | ۷- پاورقی ها |

www.KetabFarsi.com

۱ - "جنبش چپ انقلابی" شیلی

"جنبش چپ انقلابی" شیلی (میر) در ۱۵ اوت ۱۹۶۵ بوسیلهٔ عده‌ای از جوانان انقلابی که عمدتاً دانشجوی بودند تحت رهبری میگل آنریکز تاسیس گردید.

در طی مبارزاتی که این انقلابیون از سال ۱۹۶۲ در درون احزاب چپ سنتی به علت پافشاری بر مواضع انقلابی آغاز کرده بودند به ضرورت ایجاد یک سازمان چپ انقلابی که جدا از جریانهای سنتی کهنسال فرمیستی که در آن موقع بر جنبش کارگری کاملاً مسلط بودند، اهداف انقلاب پرولتری را با شیوهای انقلابی و لنینیستی، از راه درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی دنبال کند، پی بردند و در اوت ۱۹۶۵ با بریدن از این احزاب، سازمان (میر) را بوجود آوردند.

سازمان جدید در شروع کار بسختی و ابتدا در بین بخشهای اجتماعی محدودی عمدتاً دانشجویان، بعضی از بخشهای طبقهٔ کارگر و مجامع کارگری پا گرفت. یکی از دشواریهای عمده برای انقلابیون، تسلط احزاب فرمیستی سنتی بر جنبش کارگری بود - خود حاصل سابقهٔ ۵۰ ساله آنها بود - که از هر طریق سعی در حفظ این سلطه می نمودند و در بسیاری موارد حتی کادرهای

میر (MIR) از حروف اول (Movimiento Izquierda Revolucionario) یا "جنبش چپ انقلابی" شیلی گرفته شده است. این نام از این رو برگزیده شده که جنبش چپ انقلابی نوپا را از احزاب چپ کهنسال سنتی متمایز سازد. (م)

سازمان میر را مورد حمله فیزیکی قرار می‌دادند. با این وجود (میر) رشد کرده و همگام با گسترش و حاد شدن مبارزات توده‌ها، با ارائه خط‌مشی صحیح از یک‌طرف پایه‌های خود را در میان توده‌ها گسترش بخشید و از طرف دیگر با تصفیه خود از عناصر متزلزلی که حاضر به پافشاری بر مواضع انقلابی و خط‌کشی با بپیش سنتی نبودند، به تحکیم سازمان پرداخت.

در سال ۱۹۷۵ در حالیکه مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری در حال اوج‌گیری بود، (میر) با تحلیل صحیح از شرایط جامعه، با توجه به رشد تضادهای درونی بورژوازی و بحرانی که ناشی از مبارزات درونی جناح‌های مختلف بورژوازی برای کسب حاکمیت سیاسی بوجود آمده بود از یکسو و رشد و گسترش جنبش توده‌ای از سوی دیگر به این جمع‌بندی دست یافت که پیروزی نیروهای چپ در انتخابات امکان‌پذیر بوده و مجدانه در راه تحقق آن گام برداشت.

در سپتامبر ۱۹۷۵ نیروهای چپ به پیروزی در انتخابات رسید و سالوادور آلنده از حزب سوسیالیست رئیس‌جمهور شد. بر روی کار آمدن نیروهای چپ توأم با گسترش آزادی‌های دمکراتیک بود که مدت سه سال (تا کودتای نظامی در سپتامبر ۱۹۷۳) ادامه داشت. سازمان (میر) در ارتباط با حکومت آلنده سیاست حمایت مشروط و انتقادی را در پیش گرفت به این معنی که سیاست‌هایی را که در جهت منافع کارگران و در جهت پیشبرد خواسته‌های آنان بود تأیید نموده و حمایت می‌کرد و به نقد و افشای سیاست‌های انحرافی دولت می‌پرداخت. در طی این سه سال (میر) رشد نموده و در میان توده‌ها نیرومندتر گردید. در میان طبقه کارگر ریشه دوانید و ابتکار رهبری را در بسیج دهقانان بدست گرفت. در سال ۱۹۷۳ (میر) با تحلیل صحیح از شرایط، وقوع کودتای نظامی را پیش‌بینی کرد و به مقابله پرداخته ولی باوجود اینکه موضع سیاسی درستی را دنبال می‌کرد بعلت اینکه هنوز

توانایی لازم را در سطح کل جامعه دارا نبود نتوانست رهبری مبارزات را در تمام جاها و زمینه‌ها بدست گیرد و خلاء رهبری سابق را که فاقد سیاست انقلابی بود و بی‌کفایتی خود را نشان داده بود مرتفع نماید. با این وجود در شهرها و در مناطق روستایی، در کارخانجات در سراسر شیلی، اعضای (میر) مقاومت مسلحانه را در برابر تهاجم دیکتاتوری نظامی برای روزها، هفته‌ها و حتی ماهها رهبری نمودند و نشان دادند که (میر) به یک سازمان انقلابی آبدیده که توانسته است پایه محکمی در بین توده‌ها بدست آورد بدل گشته است.

تحلیل میر از شرایط شیلی بعد از کودتای نظامی و روی کار آمدن دیکتاتوری مبتنی بر این است که جنبش در یک دوره عقب‌نشینی بسر می‌برد و بنابراین (میر) تاکتیکهای خود را بر این مبنای تنظیم نموده و در حالی که در صف مقدم جبهه نبرد، با دیکتاتوری مبارزه می‌کند، عقب‌نشینی سازمان یافته کارگران و توده‌ها را به شیوه‌ای لنینیستی رهبری می‌نماید.

سازمان (میر) با تحلیل از شرایط اقتصادی - اجتماعی شیلی بیان داشته است که بیش از یک قرن است (از سال ۱۸۳۵) که روابط سرمایه‌داری وابسته بر جامعه شیلی حکمفرما است و در این رابطه اعلام نموده است:

"تنها انقلاب پرولتری یعنی تصرف قدرت بوسیله توده‌ها تحت رهبری طبقه کارگر، می‌تواند به وظیفه رهانیدن کشور از وابستگی و عقب‌افتادگی جامعه عمل بپوشاند و به استثمار و ستم، گرسنگی و فقر مردم شیلی پایان بخشد. یک همچنین انقلاب پرولتری مستلزم درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و جانشین کردن آن با ماشین دولتی نوینی، متکی بر سازماندهی کارگران و دهقانان مسلح خواهد بود."

"برنامه (میر) از اینرو اعلام می‌کند که آنچه که بدان در شیلی احتیاج است انقلابی پرولتری می‌باشد تا بر روی این واقعیت تاکید کند که در انقلاب

نه تنها هنگامی که زمان تصرف قدرت فرا می‌رسد ضرورت دارند، بلکه هم‌چنین واجب و ضروری است که اشکال مسلحانه مبارزه تدریجاً "معرفی و بکار گرفته شوند تا پرولتاریا و توده‌ها در بکار بردن قهر انقلابی آموزش یابند و در همین حال نیرو و روحیه نیروهای دشمن فرسوده و تضعیف گردند و سربازان عادی آنها جلب شوند." *

امروزه سازمان (میر) با وجود دادن شهدای بسیاری در مبارزه بر علیه دیکتاتوری (از جمله میگل آنریکز دبیرکل سازمان) و ضرباتی که متحمل شده است، تنها سازمانی است که توانسته است تحت شرایط دیکتاتوری - نظامی موجود به گسترده‌ترین و موثرترین شکل سازماندهی و کار توده‌ای دست یابد و رشد نماید. این سازمان سیاسی - نظامی امروزه به استوارترین منبع امید و اتکا پرولتاریا و توده‌های زحمتکش و آشتی‌ناپذیرترین دشمن دیکتاتوری، مرتجعین و امپریالیسم در شیلی بدل گشته است.

* "جنبش چپ انقلابی شیلی (میر) را بشناسیم"، صفحه ۱۷.

مقدمه:

در احزاب انقلابی و در سازمان ما سنتاً مسئله تربیت و شکل‌گیری کادرها به‌تمام و کمال مورد بررسی قرار نگرفته است. در گذشته ما صرفاً به فعالیتهای آموزشی منفرد (آموزش سیاسی، تعلیمات خاص و غیره...) که با مسئله تربیت کادرها بعنوان یک کل و بطریقی اساسی برخورد نمی‌کرد، می‌پرداختیم.

امروزه، اهمیت تربیت کادرها را، بخصوص برای حزب^۱ نمی‌توان دست‌کم گرفت. شرایطی که بوسیله کودتای نظامی ایجاد شده، منجمله استقرار دیکتاتوری، پراکندگی چپ سنتی و همچنین پراکندگی و نابودی تشکلهای توده‌ای، قدرت و استحکام فوق‌العاده حزب را ضروری می‌سازد و این قدرت و استحکام بدون اینکه پیشاهنگ انقلابی و هریک از اعضای آن در پیشبردش وسیعتاً و فداکارانه گام برندارند امکان‌پذیر نیست.

اکنون قصد ما اینست که نشان دهیم، مسئله تربیت کادرها به‌مراتب فراتر، با اهمیت‌تر و پیچیده‌تر از آموزش صرف است و حل این مسئله منوط به عملکرد خود حزب و مستلزم اینست که حزب انقلابی خود دائماً بصورت یک دانشسرا و آموزشگاه اصیل تربیت و پرورش انقلابی عمل کند. دستیابی به این هدف نه صرفاً بوسیله اقدامات منفرد بلکه تنها از طریق تقبل مسئولیت و از خودگذشتگی کامل تمام اعضاء، که در ساخت حزب و در تمام سطوح آن منعکس شود میسر است.

۱ - پاورقیها در آخر این جزوه آمده است

از طرف دیگر در حالی که جستجوی راه‌حلهای اضطراری برای مشکلات فوری لازم است، اندیشه و برنامه‌ریزی برای فعالیتهای تربیت و پرورش کادر در بلندمدت نیز ضرورت دارد. در همین زمان است که ما این یادداشتها را برای مباحثه ارائه می‌دهیم.

وظایف حزب انقلابی

طبقه کارگر شیلی مانند تمام کشورهای سرمایه‌داری نه از یک توده همگون تشکیل می‌شود و نه بصورت یک طبقه واحد منسجم وجود دارد. افراد این طبقه در صدها و هزاران کارخانه، کارگاه که دارای هیچ ارتباط اساسی با یکدیگر نیستند، پراکنده و پخش شده‌اند. هر یک از این بخشها ناچار به مبارزه برای یافتن شغل و بهبود شرایط کار در محدوده یک بازار کوچک کار هستند.

عملکرد جامعه بورژوازی دقیقا "بنحوی است که این جدائی درونی، پراکندگی و رقابت را در بطن طبقه کارگر رسوخ داده و تقویت می‌نماید. بعلاوه جامعه سرمایه‌داری برای رسوخ ایدئولوژی بورژوازی در میان طبقه کارگر تلاش می‌کند تا این طبقه نظام استثمار و جایگاه خود را در این نظام بپذیرد و در نتیجه، حاکمیت بورژوازی بر پرولتاریا را نه تنها بر اساس اعمال زور بلکه بر اساس تسلیم و انقیاد عمومی نیز میسر سازد.

اتحاد طبقه کارگر تنها زمانی میسر است که این جدائی درونی و پراکندگی محو گردد، زمانیکه تمام اعضای طبقه کارگر دریابند که منافع آنها یکسان است؛ زمانیکه آنها سرمایه‌داری و طبقه سرمایه‌دار را بمثابه دشمنان آشتی‌ناپذیر و حکومت را بمثابه نماینده جمعی سرمایه تلقی کنند. زمانیکه این مسئله را دریابند که بهبود شرایط زندگی طبقه کارگر و تمام اقشار تحت ستم و تحت استثمار در نظام سرمایه‌داری امکان‌پذیر نیست؛ زمانیکه تمام اعضا

طبقه کارگر لزوم انقلاب اجتماعی، دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم را درک کنند. این نکته باید روشن شود که عمل انقلابی بطور خودانگیخته پدید نمی آید بلکه نتیجه مبارزه‌های دشوار و طولانی توأم با پیشروی و عقب‌نشینی است. این جریان که ماهیتاً متناقض و پیچیده است در زمینه‌های همگونی طبقاتی در سطوح مختلف، خودآگاهی و سازماندهی رشد و گسترش می‌یابد و سرانجام در وحدت پرولتاریا و تحکم آن بمثابة یک طبقه به اوج خود خواهد رسید. مداخله فعالانه حزب انقلابی پرولتاریا ضروری است زیرا که آگاهی طبقاتی حاصل ادغام دیالکتیکی تجربه و مبارزه پرولتاریا با آموزش، تربیت و رهبری حزب می‌باشد.

بنابراین جریان شکل یافتن پرولتاریا هدف دوگانه‌ای را دنبال می‌کند، که عبارت است از درگیر نمودن توده‌های زحمتکش بطور مستقیم و در عین حال ارتقاء آگاهی طبقاتی آنها. وجود یک پیشاهنگ انقلابی، حزب انقلابی طبقه کارگر، برای توسعه کامل هر دو جنبه ضرورت دارد.

مسلم است که حزب انقلابی باید در پاسخ مستقیم به مبارزات طبقه کارگر تشکیل شود. در غیر این صورت (عدم شکل سازمان انقلابی طبقه کارگر) این مبارزات بوسیله جناح‌هایی از بورژوازی بمثابة اهرمهای فشاری که مانع توسعه و شکل گرفتن فعالیت‌های سیاسی مستقل و مداوم طبقه کارگر می‌گردد، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و نتیجه چیزی جز ادامه حیات طبقه کارگر تحت استیلای سرمایه نخواهد بود.

تجارب جنبشهای طبقه کارگر در اروپا و جنبش خود ما بروشنی نشان داد که مبارزه توده‌های کارگری که اهداف آن منحصر به دستیابی به پیروزی‌هایی در زمینه تقاضاهای بلافصل اقتصادی یا شرکت در سیاست بازبهای بورژوازی گردد، کافی نخواهد بود. چنانچه جنبشهای باتجربه طبقه کارگر، بطور مثال در انگلیس و شیلی، برای مدتهای طولانی بوسیله عوامل بورژوازی

رهبری شده‌اند (مانند حزب کارگر انگلیس) یا آنکه از یک رهبری رفرمیست^۲ پیروی می‌کرده‌اند (همچنانکه شرایط ما همین چندی قبل بود). فقدان حزب انقلابی مانع دستیابی پرولتاریا به یک استقلال سیاسی - طبقاتی رشدیابنده و مانع شرکت آن در مبارزات سیاسی مستقل گردید و در نتیجه طبقه کارگر صرفاً "بمثابه یک نیرو که در محدوده سیستم عمل می‌کند باقی ماند و صرفاً" روش استفاده از قدرت اتحادیه‌های صنفی و سیاستهای انتخاباتی را در چهارچوب معیارهای بورژوازی درپیش گرفت. فعالیتهایی که تنها و بطور خالص در زمینه تحقق تقاضاهای اقتصادی بلافصل انجام می‌گیرد، برای وحدت، وحدت پرولتاریا و تحکیم آن بمثابه یک طبقه، بمثابه یک نیروی اجتماعی انقلابی با اهداف و شیوه‌های انقلابی کافی نیست. عامل دیگری که باید بيموازات این مبارزات و فعالیتها وجود داشته باشد تا آگاهی پرولتری را در بطن طبقه کارگر گسترش دهد، پيشاهنگ مارکسیست - لنینیست است که در ارتباط با مبارزات صنفی طبقه کارگر، این مبارزات را رهبری نموده و جهت می‌دهد، و نه تنها در جوابگویی به نیازهای فوری گام برمی‌دارد بلکه اساساً "وظیفه ارتقاء سطح آگاهی، رزمندگی و سازماندهی طبقه کارگر و از طریق آن تمام طبقات و اقشار تحت استثمار و ستمدیده (یعنی آن طبقات و اقشاری که طبقه کارگر رهبری آنها را بدست خواهد گرفت) را نیز برای خود قائل است. برای اینکه فعالیتها و مبارزات طبقه کارگر مرزخواستهای اقتصادی را درهم شکند و اهداف عالیتری را مطرح نماید این فعالیتها و مبارزات باید براساس تحلیل علمی از شیوه تولید سرمایه‌داری، ساخت اجتماعی موجود، اهداف تاریخی پرولتاریا و شیوه‌ها و اشکال مبارزه طبقاتی در جامعه سرمایه‌داری بنا گردند. اینگونه تحلیل علمی جامعه و مبارزه طبقاتی بطور خودانگیخته صورت نمی‌گیرد، بلکه برعکس جریان‌ی طولانی و دشوار است که

نمی‌تواند منحصرًا از تجارب عملی مبارزه طبقاتی ناشی شود، اگرچه این تجربه عملی در درک، بکاربرد و تکامل این علم دارای اهمیت اساسی است. مارکسیسم - لنینیسم (ماتریالیسم دیالکتیک، ماتریالیسم تاریخی، اقتصاد سیاسی) بعثابه علمی مشتعل از قوانین عام که مستلزم درک مبارزه طبقاتی در جامعه سرمایه‌داری است، رهنمون تحول از سرمایه‌داری به سوسیالیسم از طریق انقلاب پرولتری می‌باشد.

مارکسیسم - لنینیسم محصول ادغام تئوری و عمل مبارزه طبقاتی است. مارکسیسم - لنینیسم از یک طرف نمودار ترکیب، نقد، ارتقاء و توسعه علوم اقتصادی، سیاسی و فلسفی بورژوازی در حد اعلای خود است، و از سوی دیگر نشان‌دهنده مطالعه مشخص و مجرد تمام تجارب عملی که در زمینه مبارزه طبقاتی در جهان بدست آمده است، تعمیم این تجارب و بالاخره تدوین آنها می‌باشد. مارکسیسم - لنینیسم مانند هر علم دیگری مستلزم مطالعه محدانه و تلاش فراوان است و بکاربرد خلاقانه آن در فعالیتهای انقلابی نیز فداکاری و از خودگذشتگی به مراتب بیشتری را از سایر رشته‌های علوم می‌طلبد. حزب انقلابی پرولتاریا صرفًا "سازماندهنده و هماهنگ‌کننده مبارزات طبقه کارگر و توده‌ها نیست، بلکه این حزب عامل تئوری علمی و مجهز به آنچنان سیستم جمعی تفکر و تحلیلی می‌باشد که ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک را آموخته، جذب کرده، بکار بسته و در تحلیل ساخت اجتماعی مشخص خلاقانه آنرا گسترش می‌بخشد. حزب در عین حال این علم را به طبقه کارگر و توده‌ها آموخته و وسیعًا انتشار می‌دهد.

بنابراین حزب انقلابی بعثابه واسطه میان تئوری و عمل و حلقه زنجیر رابط سازمانی - تشکیلاتی، که موجب می‌شود طبقه کارگر منافع طبقاتی - تاریخی خود را ساخته و انقلاب پرولتری را بهتر برساند عمل می‌کند. حزب نمایشگر وحدت عملی، مشخص و زنده تئوری انقلابی و عمل

می باشد . بدون تئوری انقلابی هیچ عمل انقلابی هم نمی تواند وجود داشته باشد . بدون حزب انقلابی پیوند تئوری راهگشا و عمل امکان پذیر نیست و بالاخره بدون حزب هیچ انقلاب پرولتری امکان پذیر نخواهد بود .

وظیفه حزب انقلابی ارتقاء سطح آگاهی ، پیشبرد امر سازماندهی و افزایش قدرت مبارزه طبقه کارگر و توده ها از طریق گسترش همه جانبه مبارزات خود حزب می باشد که مالا" به انقلاب پرولتری و ساختمان سوسیالیسم منجر خواهد شد . این وظیفه نه تنها آسان نیست ، بلکه فوق العاده پیچیده نیز می باشد . انجام این وظیفه مستلزم وجود خصوصیات و شرایط ویژه ای در حزب انقلاب پرولتاریا می باشد که در خلال مبارزهای طولانی بوجود می آید .

انقلاب پرولتری برخلاف انقلابات قبلی که در آن ها بعضی از طبقات موفق به دست یابی به موقعیتهای مهمی در سازمان کهن قدرت می گشتند ، بر نیروی طبقه ای استوار است که بسختی تحت استثمار و ستم می باشد و هیچ راهی جز دگرگون کردن کل نظام اجتماعی موجود ندارد . پیروزی این طبقه به کسب وحدت و همچنین جلب دیگر قشرهای تحت استثمار و ستم در مبارزهای طولانی بستگی دارد ، مبارزهای که در آن از لحاظ دسترسی به وسایل مادی اعمال قهر و همچنین ماشین فرهنگی (روبنای جامعه) که تربیت ، تشکل و توسعه خود آگاهی طبقاتیش را امکان پذیر می سازد ، به سختی در مضیقه است . طبقه کارگر در خلال این مبارزه نه تنها باید به مثابه یک طبقه در اهداف خود به وحدت دست یابد ، بلکه باید از تسلط ایدئولوژی بورژوازی نیز بگریزد . او باید از تمام محدودیتهای ایدئولوژیکی سرمایه داری و تمام اشکال ایدئولوژیهای بورژوازی و خواه بورژوازی (روزیونیسم ، رفومیسیم میانه گزینی (سنتریسیم) چپ روی و غیره) که بطور آشکار یا پنهان در طبقه کارگر نفوذ می کنند بهره یزد . در عین حال پرولتاریا باید ظرفیت خود را برای مبارزه اقتصادی ، سیاسی و نظامی بر علیه بورژوازی و سیستم غلبه و

استیلای آن گسترش بخشد .

این وظایف تنها تاحدی می‌تواند انجام پذیرد که حزب انقلابی پرولتاریا بمشابه وجدان آگاه طبقه کارگر بتوسط پیشاهنگ پرولتری که در میان پرولتاریا ، توده‌ها و هم‌چنین سایر اقشار اجتماعی صاحب نفوذ است شکل گیرد و گسترش یابد . پس نقش حزب ارتباط سطح آگاهی در اقشار پیشرفته و عقب مانده طبقه کارگر ، گسترش آگاهی پرولتاریا و رهبری و جهت دادن به مبارزات روزانه طبقه کارگر و توده‌ها می‌باشد . انجام این وظایف مستلزم آمادگی گسترده و بسیار نه تنها در زمینه ادراک سیاسی و ایدئولوژیکی بلکه در زمینه‌های سازمانی - تشکیلاتی ، نظامی ، تکنیکی و اخلاقی می‌باشد . تمام این جوانب باید کاملاً بوسیله حزب از اساس مورد بررسی قرار گرفته و در ساخت و نحوه عمل فردفرد اعضای حزب نیز منعکس گردد .

حزب انقلابی بمشابه ارگانی که فعالیت و عمل انقلابی را میسر می‌سازد ، بمشابه حلقه زنجیر رابط تشکیلاتی - سازمانی میان تئوری و عمل و بمشابه اهرمی که انهدام و واژگونی دنیای کهن بدان منوط است باید قادر به تنظیم و انجام اهداف خود باشد . علاوه بر درک و استنتاج اثرات سیاسی و تئوریک یک موقعیت خاص ، روشن است که حزب باید تکنیکها و روشهای مربوط به سازماندهی طبقه کارگر ، توده‌ها و سایر بخشهای متحد آنها را توسعه دهد و چگونگی پیشبرد امر مبارزه را در دوره‌های گوناگون سیاسی درک نماید .

روشن است که وظایف حزب انقلابی برآستی پیچیده و حتی بسیار مشکلتر از آنچه در گذشته بوده است می‌باشد . سرمایه‌داری خود در زمینه تجربه از مبارزات انقلابی و ضد استعماری به هیچ‌وجه عقب نمانده است . امروزه استیلای آن از کنترل ایدئولوژیکی گرفته تا سرکوبی مادی و کنترل بحرانهای اقتصادی از گذشته بمراتب پیچیده‌تر می‌باشد . به اینهمه باید اضافه کنیم که پدید آمدن انحراف در بطن طبقه کارگر نیز دارای سابقه

تاریخی طولانی می‌باشد و نسل‌های متعددی از طبقه کارگر بواسطه این انحرافات از سیر تکامل در غلطیده و به کج راه کشیده شده‌اند.

تربیت مبارز انقلابی

مبارز حزب انقلابی پرولتاریا، یک پیشاهنگ پرولتاریائی است که باید توانائی انجام تمام وظایف حزب انقلابی را از طریق ادغام تئوری و عمل و ادغام فعالیت‌های فکری و فعالیت‌های عملی انقلابی دارا باشد. یک عضو حزب (زن، مرد) باید مبارزات روزمره برای تغییر جامعه طبقاتی را با تلاش در جهت تجسم، پرورش و تکامل بخشیدن به ایده انسان نوین (زن، مرد) و گام برداشتن در راه به تحقق پیوستن آن توأم نماید. از این طریق است که مبارزه انقلابی در کوره مبارزه تعمیده دیده و آبدیده می‌گردد و به کادر ورزیده، کامل و رزمنده‌ای - یعنی آنچنان انسانی که به حقیقت حلقه رابطی در طی طریق بسوی یک مرد یا زن کامل جامعه سوسیالیستی است - بدل می‌گردد.

این امر تنها از طریق پرورش و تربیت همه‌جانبه کادر انقلابی امکان پذیر است. بدین معنی که عضو انقلابی (زن، مرد) باید تا حد نهائی ظرفیت خود از نظر ایدئولوژیکی، سیاسی - نظامی، تکنیکی و اخلاقی پرورش یابد.

تربیت ایدئولوژیکی

تربیت ایدئولوژیکی کادر انقلابی شامل کسب دانش و درک جوانب عمومی تئوری مارکسیسم - لنینیسم (ماتریالیسم تاریخی، ماتریالیسم دیالکتیک و اقتصاد سیاسی) می‌باشد که اساساً از تاریخ جهان و جنبش‌های کارگری ملل مختلف و تاریخ و ساخت اجتماعی جامعه شیلی تشکیل می‌شود.

لزومی ندارد که حتماً در این زمینه یک متخصص باشیم، بلکه درک اساسی مبانی اولیه و اساسی تئوری انقلابی و توانایی بکاربرد آن در موارد مربوطه برای مطالعه و جوابگویی به شرایط نوین و هم‌چنین حل مسائل و مشکلات جدید، کافی است. درک این مسئله که مارکسیسم - لنینیسم در واقع یکباره و از هیچ بوجود نیامده بلکه حد اعلای تکامل، نقد، جذب و ارتقاء علوم و فرهنگ بورژوازی است بسیار حائز اهمیت است. اما مطالعه نظری مارکسیسم - لنینیسم به تنهایی کافی نیست. زمانیکه به سطح معینی از این دانش دست یافتیم، لازم است که به مطالعه عمیق‌تر و مشخص‌تر علوم بطور خاص و تفسیرها و جلوه‌های مختلف ایدئولوژی معاصر بورژوازی بخصوص در زمینه فلسفه، اقتصاد، جامعه‌شناسی و سیاست بپردازیم. همراه با رشد کارآیی تئوریک اعضای یک حزب انقلابی عوامل و عناصر یک فرهنگ نوین گسترش می‌یابد، فرهنگی که صرفاً "میراث فرهنگی بشر را نمی‌پذیرد بلکه آنرا بتامی جذب می‌نماید. به همین جهت تلاش برای توسعه و رشد فرهنگ پرولتری و پیشبرد انقلاب فرهنگی که بدواً "بوسیله" انقلابیون و سپس بوسیله بقیه افراد جامعه صورت می‌گیرد، طفره رفتن از آموختن فرهنگ گذشته را با این مستمسک کودکانه که این فرهنگ زائیده جامعه طبقاتی و بیانگر ایدئولوژی آن می‌باشد نمی‌پذیرد و با روح آن مغایر است.

تربیت سیاسی

تربیت سیاسی یک کادر انقلابی منوط به تربیت تئوریک او می‌باشد و بیشتر به علوم و آگاهی و تحلیل از واقعیات مشخص و توانایی تصمیم‌گیری براساس وظایف خاص مبارزه طبقاتی مربوط است. تربیت سیاسی شامل قابلیت بکار برد تئوری و تجربه در فعالیتهای روزانه حزب و توده‌ها، برنامه‌ریزی و ارزیابی استراتژیکی و بررسی این فعالیتها می‌باشد.

کارآئی سیاسی یعنی قابلیت جامه عمل پوشاندن به تئوری، بهره گرفتن از تئوری در جهت هرچه آگاهانه تر نمودن، موثرتر و عقلانی تر ساختن عمل و خلاصه استفاده و بهکاربرد تئوری بحثیه راهنمای عمل. رشد کارآئی سیاسی خود را در توانائی ارزیابی صحیح از صف آرائی نیروهای جهانی در سطح ملی و توانائی تعیین تاکتیکهای مناسبی که امکان ایجاد تغییراتی را در این توازن نیروها به نفع پرولتاریا و حزب بوجود می آورد، نشان می دهد.

کارآئی (استعداد) سیاسی به معنای رشد توانائی های تئوریک و عملی در تعیین صحیح دشمن اصلی و سایر دشمنان، اتحادهای سیاسی که می تواند صورت گیرد و تعیین جهت اصلی حرکت و عمل می باشد. بدین ترتیب کارآئی سیاسی یعنی، توانائی حل مشکلات مشخص مبارزات طبقه کارگر در هر سطح و هر زمان، توانائی تحلیل عوامل و جوانب یک موقعیت و تعیین راه حل های ممکن و یا مسیر عمل و حرکت (بسیوی این چنین راه حل های)؛ توانائی ارزیابی دقیق جنبه های مثبت و منفی یک مسیر خاص حرکت با آگاهی کامل به نتایج احتمالی، توانائی برنامه ریزی در باره تقسیم وظایف لازم برای انجام یک عمل، آمادگی در مقابله با عدم موفقیت های احتمالی در مسیر حرکت با تصحیح و تجدیدنظر در موارد لازم و بالاخره توانائی ارزیابی تأثیرات کلی حرکت و استخراج معیارهای کلی و درسهای مشخص.

تربیت سیاسی عالیترین درجه تربیت تئوریک و سازمانی را می طلبد. تربیت سیاسی مستلزم دانش، قابلیت و کاربرد خلاق خط مشی سیاسی حزب، تاریخچه آن و ارتباطش با جنبش طبقه کارگر و توده ها و سایر احزاب کارگری است.

تربیت سازمانی - تشکیلاتی

تربیت سازمانی یک کادر انقلابی اساساً به دانش تئوریک در مورد

مسائل سازمانی مربوط می‌شود. یک کادر انقلابی باید قادر به تعیین، و هماهنگ ساختن وظایف مختلف، برنامه‌ریزی وظایف حزبی در تمام سطوح به شیوه‌ای مطمئن و مؤثر و همچنین قادر به سازماندهی توده‌ها باشد. بنابراین، تربیت سازمانی نه تنها مستلزم دانش تئوریک - سیاسی و تجربه بلکه مستلزم مهارت و ورزیدگی تکنیکی برای امور اداری حزب و رشد هماهنگ تربیت نظامی و اخلاقی نیز می‌باشد. تربیت سازمانی به آگاهی در مورد تئوری سازماندهی حزب انقلابی و قوانین خاص آن یعنی، آن تئوری که اساس سازماندهی جنبش چپ انقلابی شیلی (میر) بر آن بنیان شده است، و هم چنین درک تاریخچه آن و طرح سازمانی متکی است.

آگاهی به تئوری سازماندهی وابسته به درک قوانینی است که بر روابط میان حزب طبقه کارگر و طبقه کارگر، توده‌ها و تمام احزاب کارگری حاکم می‌باشد. این آگاهی باید درک از چگونگی سازمان دادن جنبش طبقه کارگر و توده‌ها (اتحادیه‌های کارگری، فدراسیونها و غیره) و نیز نحوه شکل‌بندی (ارگانیزم) تشکلهای مبارزاتی سیاسی طبقه کارگر قبل از شرایط انقلابی و در طی شرایط انقلابی یعنی (انجمن‌های کارگری) را دربرگیرد.

در عین حال تربیت سازمانی به پافشاری سرسختانه‌ای در دفاع از اصول انقلابی لینی و بکاربرد آن در مورد سازماندهی حزب و حد اعلاى انعطاف‌پذیری در پذیرش یک طرح سازمانی در شرایط مشخص دوره‌های مختلف مبارزه طبقاتی نیاز دارد.

تربیت سازمانی همچنین شامل فرا گرفتن قوانین حاکم بر چگونگی گسترش و استحکام حزب در میان طبقه کارگر و توده‌ها و توانایی در تعریف و تدوین تاکتیکهای صحیح برای ایجاد ساختمان حزب در بخشها، قشرها و شرایط مختلف است.

جنبه دیگر رشد و پرورش سازمانی - تشکیلاتی یک کادر، درک قوانین

مربوط به تربیت کادر و رهبری، حفظ کادر، تغییر رهبری، رشد حزب، عضوگیری جدید، ارتقاء کادرها و غیره است. بالاخره تربیت سازمانی شامل فرک اشکال دموکراسی داخلی، مرکزیت دموکراتیک و پافشاری در حفظ این موازن در مبارزه بر علیه انحرافات لیبرالی، آنارشستی، بوروکراتیک، میانه‌گزینی و دموکراسی افراطی در بلندمدت و تحت شرایط متفاوت، می‌باشد.

تربیت نظامی

تربیت نظامی حزب انقلابی پرولتاریا دربرگیرنده آگاهی و دانش پرولتاریا و غنای تکامل آن از طریق بکار گرفتن تجارب جهانی مبارزات پرولتاریا و انقلابات پیروزمند است. تربیت نظامی همچنین تئوری و استراتژی مارکسیست - لنینیستی و فنون سیاسی - نظامی را نیز دربر می‌گیرد.

تربیت نظامی شامل این بخشها است: پروراندن کارآئی در زمینه برنامه‌ریزی و ارزیابی یک موقعیت نظامی هم از نظر تاکتیکی و هم استراتژیکی با آگاهی به چگونگی تلفیق مبارزه مسلحانه با سایر اشکال مبارزه با توجه به شرایط و ویژگیهای مشخص هر موقعیت با دارا بودن ظرفیت برای استفاده و بکار بستن تکنولوژی نظامی. تربیت نظامی هم‌چنین شامل آمادگی‌های فردی برای مبارزه، توانائی عطی اجرائی در اداره کردن منابع نظامی حزب و داشتن استعداد و قابلیت بالقوه رهبری که برای تعلیم و سازماندهی طبقه کارگر و توده‌ها در دوره‌های مختلف مبارزه طبقاتی ضرور است می‌باشد. تربیت نظامی نه تنها شامل آگاهی به فنون نظامی، آمادگی و ظرفیت فردی برای نبرد، بلکه دارای بسیاری از جوانب دیگر نیز است. علاوه بر اینها تربیت نظامی نیازمند یک هماهنگی مستحکم میان تربیت ایدئولوژیکی، سیاسی، سازمانی، تکنیکی و اخلاقی نیز می‌باشد.

تربیت تکنیکی - فنی

منظور از تربیت فنی و تکنیکی کارآئی بهره گرفتن از طرق و وسایل تکنیکی - فنی گوناگون مورد نیاز حزب است که شامل تکنیکهای مربوط به اداره کردن منابع، وظایف ترویجی و بهره گرفتن، کار بست، تعمیر و ساخت ابزار مبارزه، خصوصیات لازم برای رهبری، مسائل مربوط به کار توده‌ای، مسائل امنیتی حزب و غیره می‌باشد. رشد توانائی‌های یک مبارز در این زمینه‌ها موجبات به مرحله عمل درآوردن این فعالیتها را فراهم می‌سازد، اما تنها یک تربیت مستحکم ایدئولوژیکی، سیاسی، نظامی و اخلاقی می‌تواند راهنما و آموزگار یک مبارز در درک صحیح نیازها و انواع تکنیک‌هایی که باید بکار گرفته شوند، باشد.

تربیت اخلاقی

بالاخره درک ما از تربیت اخلاقی عبارت است از ضرورت غلبه بر پلیدی‌هایی که بوسیله جامعه بورژوازی بر ما تحمیل گردیده است. یک مبارز انقلابی هنوز یک زن یا مرد کامل یک جامعه سوسیالیستی و کمونیستی نیست. حتی در حد آن زن یا مرد مبارز آبدیده و کاملی که مبارزه طاقت‌فرسای کنونی می‌طلبد، نیست. بلکه مبارز انقلابی، قادر دست‌چین شده‌ای است که باید خصوصیات اخلاقی پیشرو و عالیتری از خود نشان دهد.

تربیت اخلاقی مبارز انقلابی باید بر فردگرایی، خودپرستی و جاه‌طلبی‌های شخصی که در جامعه بورژوازی بسیار رایج است غالب گردد. بجای این خصایص، حزب باید یک روحیه جمعی سرشار از همبستگی، رفاقت، احترام و عشق به طبقه کارگر و توده‌ها را بیورراند. حزب باید ظرفیت ار خود گذشتگی، حساسیت در جوابگویی انقلابی به مسائل، قوه ابتکار، شهامت و قاطعیت در برخورد به مشکلات، پشتکار در مطالعه و کار را پرورش

دهد. این تربیت اخلاقی انقلابی - تجسم انسان نوین آینده - تنها از طریق پرورش هماهنگ سایر جوانب تربیت کادر انقلابی امکان پذیر است بشرط آنکه شرایط لازم برای انتقاد / انتقاد از خود و وسایل غلبه بر نارسائی‌ها و ارتقاء به سطوح بالاتر آگاهی و عمل فراهم باشد.

از این طرح مختصر در مورد جنبه‌های گوناگون تربیت کادر برمی‌آید که تربیت اخلاقی نمی‌تواند از طریق آموزش و صرفاً "آگاهی به مسائل و با بالعکس با اتکا صرف به تجربه حاصل گردد. تربیت اخلاقی متکی به آموزش، تجربه، ارزیابی تجارب و ارتباط آنها با تئوری است. مبارز انقلابی تنها در درون حزب می‌تواند تربیت و پرورش یابد و حزب و هریک از اعضای آن باید آگاهانه در جهت تربیت اخلاقی او بکوشند. دانش تئوریک، تکنیکی (فنی) یا عملی که قبلاً در خارج از چهارچوب حزب بدست آمده باشد، می‌تواند در تکمیل تربیت اخلاقی موثر باشد، اما این بدان معنی نیست که مبارز با دارا بودن آنها به یک کادر انقلابی تبدیل شده است بلکه برعکس، شاید ضروری باشد که محدودیت و یکجانبه‌نگری و یا اشتباهات تجارب قبلی مبارز خاطرنشان شود و رفع گردد.

بعلاوه اگرچه ممکن است که یک مبارز بطور فردی دانش و اطلاعات گسترده‌ای کسب کرده باشد و به توانائی‌های تئوریک و تکنیکی قابل ملاحظه‌ای رسیده باشد، اما بکاربرد این معلومات در خدمت جمع و برای حل مشکلات مبارزه طبقاتی تنها در درون حزب، امکان پذیر است. در غیر این صورت این توانائی‌ها، معلومات و دانش کسب شده خنثی و بی‌فایده باقی می‌مانند. از طرف دیگر تجارب وسیع در مبارزه طبقاتی که بوسیله تئوری، آگاهی و تحلیل انقلابی رهبری نشده باشد و مورد نقد و ارزیابی قرار نگرفته باشد منجر به سیر انداختن و تبعیت این تجارب در برابر اهداف فوری مبارزات خودانگیخته طبقه و توده‌ها و همچنین تاکید یکجانبه و مطلق بر تجربه و

عمل روزمره (و در نتیجه دنباله‌روی از آن) می‌گردد و از آنجا که تئوری انقلابی و عامل آگاهی در این زمینه نقشی ندارند این تجارب مانع انجام یک برنامه‌ریزی آگاهانه برای تغییر و تحول واقعیت می‌گردد. تنها حزب است که می‌تواند تئوری انقلابی را با نیازهای روزمره مبارزه طبقاتی بطور موثری تلفیق نماید.

باز هم باید تاکید کرد که تربیت یک مبارز انقلابی محصول ترکیب تئوری و عملی است که از تجارب حزب و مبارزه طبقاتی ناشی شده باشد. از طریق فعالیتهای روزانه و کار درون حزبی است که مبارز نه تنها تئوری می‌آموزد بلکه دیسیپلین، وفاداری، صلابت، رفاقت، تکنیکها (فنون) و شیوه‌های مبارزه انقلابی را نیز فرا می‌گیرد.

شرکت در بطن مبارزه طبقاتی بعنوان یک نیروی سازماندهنده و فعال حزب برای یاد گرفتن و یاد دادن، جنبه دیگر پرورش و رشد یک مبارز انقلابی است.

این هم چنین وظیفه حزب انقلابی است که مبارزان را قدرتمند و در عین حال حساس و انعطاف‌پذیر، برای دنبال کردن اهداف خود تحت شرایط دشوار و گوناگون، آماده سازد. مبارز انقلابی باید در مقابله با وسوسه‌های لذتبخش کاذب جامعه بورژوازی نظیر تفرد، آسایش و کامیابیهای شخصی بقدر کافی مقاوم و سرسخت باشد و در مقابله با نیروهای سرکوب‌گر و آزار و شکنجه دشمن بقدر کافی شجاعانه عمل نماید و باید در راه انجام اصول انقلاب پرولتری با وفاداری و ایمان کامل و علیرغم تسلیم رهبرانی که بنظر مستحکم می‌آمدند ولی در نیمه راه ماندند با استحکام کامل گام بردارد. اینچنین از خود گذشتگی استواری در راه انقلاب تنها از طریق عمل انقلابی مستمر در درون طبقه کارگر، از طریق لمس نتایج مادی و معنوی پیروزیها و شکستها، پیش‌رویها و عقب‌نشینیها و تمرد از انجام وظایف، و روبرو شدن

با مشکلات جدید می‌تواند پرورش یابد. این تربیت اخلاقی در درون حزب انقلابی و از طریق شرکت مستقیم در مبارزه طبقاتی تقویت می‌شود و استحکام می‌یابد.

بنابراین تربیت اخلاقی چیزی بیش از انباشت آگاهی صرف یا اعمال تجربی صرف است. تربیت اخلاقی بمعنای خلاقیت و ابتکار - خلاقیت در یافتن راه‌حل برای مشکلات و موقعیت‌ها و ابتکار در انتخاب آنچنان مسیر عمل و حرکت مناسب و راهگشایی که منجر به یافتن راه‌حلهائی شود. یک مبارز انقلابی باید بعد اعلای خودکفائی دست یابد تا بتواند سیاستهای حزب را بطریقی خلاق و مداوم گسترش بخشیده و اجراء نماید.

کارآئی و تأثیرات یک حزب انقلابی را می‌توان از درجه رشد کادرهای آن که مشتمل است بر آموزش و آموختن فعالیتهای انقلابی، شرکت در مباحثات و تصمیم‌گیریها، انتقاد / انتقاد از خود - که همه اینها در چهارچوب دموکراسی درون حزبی صورت می‌گیرد - سنجید. این پروسه تحلیلی در ترکیب با معیارهای مشخصی که از طرف تمام سطوح حزب وضع شده است، باید یک بخش دائمی و ثابت فعالیتهای انقلابی حزب و اعضای آن باشد.

درک این مسئله ضروری است که آموزش سیاسی و آموخته‌های قبلی اعضا تنها یک بخش از تربیت انقلابی است و این فعالیتهای روزانه حزب است که بهترین شرایط را برای تربیت انقلابی کامل مهیا می‌سازد.

تربیت یک انقلابی نه تنها به ظرفیت خود او برای تأثیر بخشی بر جامعه و کمک در راه به تحقق پیوستن انقلاب پرولتاریائی بستگی دارد، بلکه در ارتباط نزدیکی با دموکراسی درون حزبی نیز می‌باشد.

درواقع یکی از انحرافات را که جامعه بورژوازی بر کل ساختهای (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی...) موجود در آن، منجمله حزب انقلابی

تحمیل می‌کند، این است که فقط یک اقلیت کوچک حاکم امکان دستیابی به دانش اطلاعات و آگاهی را دارد، در حالیکه اکثریت جامعه مجبور است در یک وضعیت رقت‌بار فرهنگی بسر برد. این کنترل، وسیله‌ای در خدمت اعمال سلطه طبقاتی است. اگر چنانچه چنین وضعیتی در درون حزب انقلابی موجود آید و تبعیضی میان رهبران و اعضاء سازمان در زمینه دستیابی به اطلاعات وجود داشته باشد، دموکراسی درون حزبی صرفاً "فرمالیته خواهد بود (روشن کنیم که در اینجا ما نیاز به متمرکز کردن و تقسیم‌بندی بعضی از اطلاعات با تکنیکها و فنون خاص را مورد سوال قرار نمی‌دهیم، بلکه برعکس اشاره‌ء ما به اطلاعات و دانشی است که برای تربیت کامل یک انقلابی مورد لزوم است.)

تنها زمانی که اعضا در تمام سطوح حزب تربیتی هماهنگ یافته‌اند، خطر بوروکراسی می‌تواند از بین برود و دموکراسی درون حزبی بحد اعلای خود توسعه یابد. بدون شک تضمین اینکه هر عضو برای انجام فعالیت‌های حزبی در هر سطحی و در هر تخصصی بحد کافی آمادگی داشته باشد، بسیار مشکل است. این چنین هدفی خود یکی از اهداف عالی حزب می‌باشد. ولی دستکم ضرورت دارد که هر عضو برای احراز پستی در سطح بلافاصله بالاتر از خود در موقع ضرور بحد کافی آماده باشد.

این حداقل لازم که بطور سازنده‌ای به یک مبارز امکان می‌دهد، پستی را در سطحی بلافاصله بالاتر احراز نماید، سه هدف را برآورده می‌سازد:

۱- دموکراسی درون حزبی را تسهیل می‌نماید، بدین معنی که هر کادری می‌تواند تعویض گردد و هیچ‌کس نیز مستثنی نیست. (نخبه‌گرایی در درون یک حزب به بوروکراتیسم و کنترل اقلیت بر اکثریت حتی در محدوده یک چهارچوب دمکراتیک ظاهری منجر می‌گردد.)

۲- ساخت حزب را در بخشهای مختلف از طریق تأمین فوری رهبری

در هر سطحی حفاظت می‌کند و در نتیجه نظام رهبری جمعی و افزایش سطوح
کارآیی و امنیتی درون حزبی را تامین می‌نماید.

۳ - مشکل ترکیب نمودن دموکراسی درون حزبی و تعیین وظایف را از
آنجا که یک پایه عینی برای ارزیابی اعضاء جهت انجام وظایف و ارتقاء آنها
فراهم می‌آورد، حل می‌نماید.

www.KetabFarsi.com

حزب: یک آموزشگاه انقلابی

۱- جوانب پروسه^۳ تربیت

برای ایجاد یک تصویر دقیق از وسایل و روشهایی که حزب برای انجام وظایفش بمثابة یک دانش‌سرای انقلابی باید بکار گیرد، ما عوامل اصلی این آموزش را در چهارچوبی وسیع طرح می‌کنیم. البته تبدیل و مجزای نمودن یک جریان پیچیده و مداوم به یک طرح مختصر نسبتاً "جامد تا حدی یکجانبه‌نگری و منحرف‌کننده می‌تواند باشد. لهذا ما چهار جنبه اساسی حزب و تربیت کادر را با آگاهی به این نکته که آنها باید با هم و در دنبال هم انجام گیرند ارائه می‌دهیم. ما نقش آموزش، تجربه حزبی، تفکر انتقادی و نقش سرمشق را در پرورش کادرها مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف- آموزش و تعلیم

برای نیل به موفقیت، یاد دادن و یاد گرفتن - بمعنای کسب اطلاعات، مهارت و قدرت درک باید سیستماتیک (همه‌جانبه) و انتقادی باشد. کیفیت هر پروسه مشروط به تجربه افراد شرکت‌کننده در آن می‌باشد. با توجه به نوع این پروسه این افراد می‌توانند بمثابة یک عضو خانواده، عضو گروه شغلی، افراد یک محله یا یک طبقه اجتماعی باشند. پرورش عضو حزب بر بسیاری

تجارب غیرمستقیم و انباشت شده و هم‌چنین بیشتر بر آموزش و فعالیتهای سیاسی سیستماتیک بستگی دارد. باید این نکته اساسی را بیاد داشت که خودآموزی و خودآگاهی بخشی حیاتی از آموزش و پرورش هر مبارز را تشکیل می‌دهد.

تاکید روی این نکته نیز اهمیت بسیار دارد که هنگام بحث در مورد پرورش کادر، ما بطور مشخص آگاهی، اطلاعات و مهارتهایی را که در ارتباط نزدیک با فعالیتهای روزانه حزب برای نیل به هدف تاریخی آن یعنی انقلاب سوسیالیستی و پرولتری هستند و نه مفاهیمی مجرد در باره فرهنگ و هنر را در نظر داریم. بنابراین پرورش یک مبارز باید شامل این موارد باشد:

- (۱) تئوری انقلابی - ماتریالیسم تاریخی و دیالکتیک، اقتصاد سیاسی، تاریخ جنبش صنفی (تردیونیونی) طبقه کارگر. (۲) مواضع سیاسی و تاریخ حزب و استراتژیهای مشخص آن برای کار توده‌ای، سازماندهی نظامی و ایجاد ساختمان حزب. (۳) خصوصیات اصلی و ساخت اجتماعی جامعه شیلی مشتمل بر تاریخ روابط میان طبقات اجتماعی، احزاب سیاسی و جنبش کارگری. علاوه بر همه اینها مبارز انقلابی باید برای کار عملی در حزب در زمینه‌های تکنیکهای مطالعه، ارتباطات، سازماندهی، ترویج، کار در میان گروهها و اداره کردن منابع حزب و روبراه نمودن وظایف نیز پرورش یابد. بعبارت دیگر یک فرد مبارز باید بداند که چگونه کارها را انجام دهد و روبراه نماید.

ب - تجربه حزبی

جنبه اساسی پرورش کادرها به تجربه خود آنها در درون حزب متکی است. این تجارب، تفکر انتقادی را که سرچشمه توانایی در تحلیل و تفسیر تجارب روزانه است، تقویت می‌نماید.

آموزش و پرورش انتزاعی، در درون یا خارج از حزب، نمی‌تواند عملاً

به شکل گرفتن تربیت یک کادر انقلابی کمکی رساند، مگر آنکه بطور مداوم با عمل، تجربه مشخص در زمینه انجام وظایف و آگاهی مشخص از شرایط توأم باشد. تجربه برای تکمیل یا رد یک تئوری و تسهیل ارتقاء آن به سطوح بالاتر و یا توسعه بیشتر آن تئوری ضرورت دارد. تجربه کار جمعی درون حزبی و تجارب مربوط به نظرات رفقای دیگر در موارد مختلف و نحوه برخورد عملی آنان، وسیله اساسی تربیت یک انقلابی است.

علاوه بر این، حزب انقلابی، اساساً وسیله‌ای برای تغییر و تحول آگاهانه واقعیت، نه بصورتی ذهنی بلکه از طریق سازمان، تشکیلات و عمل است و تنها این تجربه است که حس حزبیت را بوجود می‌آورد و پیشرفت و شکل‌گیری مداوم آنرا تضمین می‌نماید. بدین ترتیب، پرورش مناسب یک مبارز، مستلزم تجربه حزبی وسیعی است و نباید صرفاً به انجام وظایف محدود شود بلکه باید بوسیله آگاهی و تفکر و تعمق کامل گردد که این بنوبه خود موجب می‌شود که واقعیات روزانه بطور مداوم و عملی بطریقی مورد بررسی قرار گیرند که به جدائی تفکر و عمل پایان داده شود.

در عین حال که مبارز انقلابی بخش قابل توجهی از پرورش خود را از طریق تجربه‌اندوزی از عمل جمعی در درون حزب می‌گذراند، این وظیفه حزب انقلابی است که با درک صحیح فعالیت‌های روزانه را بطریقی سازمان دهد که ارزش آموزشی آنها را بعد اعلای برساند.

پ - پرورش از طریق سرمشق گرفتن (و سرمشق بودن)

روشن است که آموختن از طریق سرمشق گرفتن از دیگران به آموزش و پرورش در حزب، بستگی دارد، اما ما برای تاکید بیشتر روی این مسئله، آنرا بطور مجزا تذکر می‌دهیم. همانطور که یک مبارز از طریق سرمشق ساختن کسانی که با آنها کار می‌کند می‌آموزد، از طریق مراقبت و تصحیح اعمال خود

و مبارزه مداوم برضد فردگرایی، خود مرکز بینی و حاشه طلبی های شخصی نیز آموزش می یابد. مبارزه مداوم، برضد خصوصیات شخصی ناشی از جامعه طبقاتی که شاید غلبه ناپذیر هم باشند، به شکل گرفتن تربیت افرادی که جامعه سوسیالیستی آینده به آنها نیاز دارد، کمک می رساند.

ت - تفکر انتقادی

ضرورت انتقاد، تعمق و ارزیابی اعمال و ادراک گذشته و آینده، آخرین جنبه مهم پرورش کامل یک کادر انقلابی است. تنها مردم قادرند که محیط خود را از نظر اجتماعی و از طریق توسعه آگاهانه و برنامه ریزی شده که براساس اهداف مشخصی دنبال می شود و بطور مداوم نقد می گردد، تغییر دهند. همچنانکه فعالیت های اجتماعی عقلانی و رشد و تکامل در جامعه طبقاتی با موانع بسیاری روبرو می شود، هر استراتژی که می خواهد جامعه طبقاتی را دگرگون نماید باید براساس مهیا ساختن مردم و رشد و توسعه مداوم ظرفیت آنها برای تفکر، برنامه ریزی، انتقاد از خود و تحول با دیدی انتقادی بنا شود. پرورش رسمی، تجربه حزبی و سرمشق هائی که بوسیله رفقا گذاشته می شود باید بطور مداوم بوسیله انتقاد جمعی و فردی از این تحارب و ایده ها تکامل یابند. این پروسه هم باید در کنفرانس های رسمی و هم باید در کلیه فعالیت های حزب در تمام سطوح سازمانی انجام پذیرد. هر مبارز باید به انتقاد فردی و جمعی مداوم و انتقاد از خود بمثابه بخش ضروری از فعالیت روزانه خود عادت کند.

۲ - آموختن و پرورش در درون حزب

پرورش موفقیت آمیز کادر انقلابی مستلزم درک کامل طرق بسیاری است که حزب در اختیار دارد تا بمثابه یک آموزشگاه انقلابی عمل نماید. آنچه

در زیر می آید تنها یک طرح اولیه است که به تحلیل همه جانبه تر (سیستماتیکتر) در رسالات بعدی نیازمند است. هدف این طرح نشان دادن فنونسی (تکنیکهایی) است که باید در برنامهٔ منطقی، پیوسته و پایدار تربیت یک کادر گنجانده شوند.

الف - آموزش فردی

در تاریخ مبارزه طبقاتی اوقاتی وجود دارد که بعلت سرکوب آشکار طبقه کارگر و احزاب کارگری امکانات سازماندهی حزبی و فعالیت‌های آموزشی آشکارا کاهش می یابد. ما در چنین شرایطی زندگی می کنیم. برای رشد و افزایش مداوم مهارت‌های خاص و قدرت درک در این شرایط به ابتکار فردی و از خود گذشتگی بسیار تمام اعضای حزب نیاز است - اگرچه آموزش و پرورش یک مبارز همیشه مستلزم کوشش‌های فردی وسیعی است، اما در شرایطی مثل آنچه ما در آن زندگی می کنیم، خودآموزی اهمیتی به مراتب بیشتر پیدا می کند.

خودآموزی در درجه اول مستلزم یک تصمیم گیری دقیق در مورد موضوعی که باید مطالعه شود است. در حالیکه به نظر می رسد که انتخاب موضوع تا حدودی به آموزش و تعلیمات قبلی خود مبارز بستگی دارد، اما در حقیقت این سطح آموزش قبلی است که سہایتا "عمق و حدود مطالعه را معین می سازد. طرح یک برنامه مطالعاتی و تعلیماتی که مکمل وظایف انقلابی است، و نه یک برنامه آموزش استزاعی، اهمیت بسیار دارد. این چنین برنامه‌های شامل کوشش در جهت کسب یک درک مقدماتی از مارکسیسم - لنینیسم، سیاست‌های حزب، اقتصاد ملی، موقعیت اجتماعی و مهارت‌های لازم برای انجام وظایف و طرح‌های حزبی خواهد بود. در ادامه جریان آموزش، دنبال کردن و ارزیابی تفسیرها و جلوه‌های متنوع و پیچیده سیاسی و ایدئولوژیک و

سیاست‌های سوزووازی اهمیت اساسی پیدا می‌کند. این مسئله - یعنی ارزیابی و تفسیر - هم بخودی‌خود و هم برای مشخص کردن اهمیت و ارتباط تعلیمات قبلی با آموزش فعلی اهمیت بسیار دارد.

شیوه و نحوه مطالعه، دومین مسئله اصلی است که باید با آن برخورد کرد. اگرچه یک بحث کامل در مورد تکنیکهای مطالعه در اینجا امکان‌پذیر نیست، اما تأکید روی این مسئله ضروری است که علیرغم موضوع مورد مطالعه، مطالعه باید از سطوح ساده به پیچیده، از مسائل ملموس و مشخص عینی به مسائل دورتر، انتزاعی ذهنی صورت بگیرد. باید بیش از هر چیز روی این مسئله تأکید نمود که مطالعه گاه‌بگاه، بندرت نتایج خوبی بیار می‌آورد. برنامه مطالعاتی باید بطور دقیق و منظم در رابطه با اهداف موردنظر در یک دوره مشخص زمانی طرح گردد. یک برنامه موفقیت‌آمیز مطالعاتی به مبارز کمک می‌کند که برنامه خود را در چهارچوب اهداف، وسایل و محدودیت‌ها تنظیم کند و پشتکار و فعالیتهای خود را توسعه بخشد.

برنامه خودآموزی، در درجه سوم، مستلزم همکاری و کمک سایر رفقا، چه در انتخاب موضوع و برنامه مطالعاتی و چه در بحث در باره مشکلاتی که در جریان هر برنامه مطالعاتی موفق بوجود می‌آید، می‌باشد. غرور فرد و ترس از مخاطرات نباید مانع اذعان بوجود مشکلات و سردرگمی و درخواست کمک از رفقای با تجربه گردد. همچنین، هر عضو حزب باید روش و رفتاری مبتنی بر مفید بودن، درک و احترام سایر اعضای حزب را در پیش گیرد.

ب - آموزش سیستماتیک

این نوع آموزش معمولاً بصورت تعلیمات سیاسی، نظامی و تکنیکی صورت گرفته است که به اعتقاد حزب باید بطور کامل در برنامه عادی گنجانده شود. حزب باید برای اعضایش یک برنامه "پرورش فکری" ترتیب دهد که با

تجربه روزانه و فعالیت حزب بطور تفکیک‌ناپذیر، پیوسته و اثواری درارتباط و اتحاد می‌باشد. روشهایی که این تعلیمات باید از طریق آن انجام پذیرد، بسته به شرایط مشخص یک دوره تغییر می‌کند و باید طبق این شرایط تحلیل گردند. آموزش موفقیت‌آمیز می‌تواند از طرق مختلفی مانند مباحثه، سخنرانی، گفتگو، تحلیل مقالات مشخص یا هنگامیکه موقعیت اقتضا می‌کند، از طریق برنامه‌های مکاتبه‌ای که طول ملاقاتهای حضوری را به حداقل می‌رساند، انجام پذیرد.

پ - آموزش مداوم

امکانات بی‌شماری برای تعلیم و تربیت یک کادر در خلال فعالیتهای روزانه حزب انقلابی وجود دارد که معمولاً از آنها بحد کامل بهره‌برداری نمی‌شود. این نوع آموزش، چابکی دائمی تمام مبارزان و رهبران حزبی را طلب می‌کند. ما به سه جنبه مربوطه این نوع فعالیت حزبی برخورد مختصری می‌کنیم و به این امر آگاه هستیم که طرح ما کاملاً جامع نیست.

اولاً "یک فرصت بسیرخوب برای شکل گرفتن تربیت کادر، در بحث‌های مربوط به وظایفی که باید انجام پذیرد نهفته است. اگر بحث، از غنای کافی برخوردار نباشد یا اگر اطلاعات به بررسی اعمال مشخصی که هر کادر باید انجام دهد محدود شود، خلاقیت و ابتکار در انجام وظایف ناچیز، آموزش حزبی ناقص، و ارزشش در شکل دادن به تربیت کادر حداقل خواهد بود. برای فراهم آوردن حجم بیشتری از آگاهی و اطلاعات برای فرد مبارز و گسترش قدرت تشخیص و کارآئی او بعنوان یک عضو حزب انقلابی، بحث باید حول محور رشد دادن قوه خلاقیت رفقا در یافتن راه‌حل برای مشکلات، آموزش آنها در تحزیه و تحلیل نمودن همه‌جانبه و مجدانه تمام راه‌حلهای احتمالی و در همین حال بهره‌وری از این امکان برای گسترش دادن وسعت

دهد آنها در ارتباط با وظایف، صورت پذیرد. هر وظیفه‌ای باید در رابطه با کل فعالیت‌های حزب تحلیل شود. اصول کلی تحارب قبلی یا مشابه و یا تحارب سایر رفا و پیروها، باید با استفاده از این فرصت از طریق بررسی موقعیت خاص و مشخصی که وظیفه به آنها مربوط می‌شود، ارزیابی گردند. یک وظیفه نباید بعنوان یک عمل منفرد، بلکه باید در زمینه اهمیت کلی آن و ارتباطش با فعالیت‌های حزب بطور کلی مطرح گردد.

این بدان معنی نیست که تمام تئوری مارکسیسم-لنینیستی یا خط مشی سیاسی حزب باید در هر بحث پیرامون هر وظیفه خاص مطرح شود. درک خصوصیات مبارزاتی که با آنها کار می‌کنیم و طرح یک برنامه (برای آنها) که به وظایف از نقطه نظرهای متفاوت می‌نگرد و موقعیت‌های بخصوصی را که بذنبال انجام این وظایف بوجود می‌آید، دربر دارد، برای شکل گرفتن تربیت مبارزان اهمیت دارد. زمانیکه این طرز برخورد و تفکر پذیرفته شد، حزب به یک آموزشگاه انقلابی تبدیل می‌شود که در آن هر واحد رهبری (کمیته مرکزی، کمیته منطقه‌ای و غیره) یک نقش آگاهانه و سیستماتیک سازنده بعهده خواهد گرفت.

دوماً، بحث در مورد انجام یک وظیفه، حتی زمانیکه مسئله مورد بررسی، چگونگی انجام کارهاست، امکاناتی برای تعلیم یک کادر فراهم می‌آورد. بهره‌برداری از این چنین امکاناتی خود تبلوری از پذیرش این نحوه نگرش، و برخورد، بصورت اصلی دائمی است که: هیچ‌کس تا در کاری شخصاً شرکت نکند، نمی‌تواند آنرا بیاموزد.

در عین حال، زمانیکه کسی کاری را انجام می‌دهد به تجربه‌ای دست می‌یابد که می‌تواند آنرا انتقال دهد، بدون آنکه ضرورتی باشد که هررفیقی همان وظیفه را در طی تجربه شخصی و ارتکاب خطاهای اجتناب‌ناپذیر بیاموزد. اغلب این تمایل وجود دارد که بدون تعمق راجع به این مسئله

که هر آموزش یا کمک مشخص به رفا در انجام وظایف، کارآئی حزب را افزایش داده و پرورش سازنده این رفا را سرعت می بخشد، بگوئیم که: اگر اینکار را من خودم انجام داده‌ام، باید سایرین هم همینطور عمل کنند. این تجربه انباشت شده باید تا حد امکان موجبات احتراز از کارآموزی طولانی و غیرضروری را که ناشی از این دید می‌شود، که هر کاری را باید شخصا از طریق تجربه و لمس نتایج آن آموخت، فراهم آورد.

ثالثاً، نقد و ارزیابی وظایف، امکانات بسیاری برای تعلیم و تربیت کادرها وجود دارد. هدف این نقد و ارزیابی صرفاً کنترل بررسی عینی فعالیت‌های رفا نیست، بلکه اینکار برای بررسی اشتباهات و استخراج نتایج مثبت از وظایف انجام شده و بررسی این مسئله که آیا این وظایف مربوط به پایه یا ساخت حزب، مربوط به سطح منطقه‌ای یا کل حزب و یا صرفاً مربوط به هر فرد مبارز هستند، می‌باشد. وسیله این ارزیابی، گزارش‌هایی است که بوسیله هر مبارز در مورد وظایف مشخصی که بر عهده داشته‌اند و مشتمل بر نحوه چگونه انجام دادن آنها، موانعی که با آن مواجه شده‌اند، درک تازه‌ای که به آن نائل شده‌اند و نتایج بدست آمده، تهیه می‌شود. یک گزارش کلی هم بوسیله یک رهبر با کفایت تهیه می‌شود باید شامل همین مسائل باشد، در عین حال که تنها بنیاد و اساس آن وظیفه مشخص را مطرح می‌کند و مورد بحث قرار می‌دهد. براساس چنین گزارشاتی است که جلسات پربار انتقاد/انتقاد از خود که برای بررسی اشتباهات و جوانب مثبت بخشهای مقدماتی، برنامه‌ریزی و نحوه اجرای وظایف و شیوه برخورد و فعالیت جمعی و فردی یک یک اعضا می‌تواند برگزار شود و همچنین امکان استخراج نتایج و اثرات اجرای یک وظیفه، وظایف نوین و اهدافی که آنها دنبال می‌کنند و غیره نیز فراهم می‌گردد. زمانیکه این جریان نه بصورت یک حضور و غیاب ساده وظایف هر رفیق، بلکه بصورت جذب و ترکیب مواردی که در بالا مطرح

شد انجام پذیرد ، عنصر واقعی آموزش و پایه‌های اساسی برای پرورش سازنده
کادر انقلابی بوجود خواهد آمد .

ت انتقاد و انتقاد از خود

اگرچه ما برای روشن نمودن بیشتر مطلب ، انتقاد و انتقاد از خود را
جدا از هم مورد بررسی قرار می‌دهیم ، ولی ایندو یک بخش غیرقابل تفکیک
از ارزیابی وظایف را تشکیل می‌دهند . ارزیابی و نقد فعالیتهای انجام شده
دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است . ما تاکنون به نقش نقد و ارزیابی در فعالیت
انقلابی تحت عنوان فعالیت آگاهانه در بالاترین سطح خود ، توجه نموده‌ایم .
اکنون تأکید بر نقش این ارزیابی و نقد در تربیت کادر ضرورت دارد .

انتقاد / انتقاد از خود ، ارزیابی و نقد اشتباهات و موفقیت‌های جمع
و هر فرد مبارز است . انتقاد / انتقاد از خود ، یک لیست از نارسائیها یا
فضیلت‌ها و یا یک امر اتفاقی در زمانیکه اشتباهات و نواقص از محدوده محاز
تجاوز می‌کنند نیست . هدف انتقاد / انتقاد از خود تصحیح اشتباهات و
نارسائی‌های فردی و جمعی ، تشخیص موفقیت‌ها ، مهارتها یا فضیلت‌ها و
تحلیل علل و نتایج آنها می‌باشد . بنابراین انتقاد / انتقاد از خود باید
در جهت پیشبرد حزب و هر مبارز حزبی انجام گیرد . انتقاد / انتقاد از
خود چیزی نیست که بتواند یکبار و برای همیشه انجام پذیرد ، بلکه باید
بطور مداوم و در ارتباط با تمام وظایفی که بر عهده حزب و مبارزان است ،
انجام پذیرد .

باتوجه به فردگرایی و خودبینی که در نتیجه زندگی در جامعه
سرمایه‌داری در ما پرورانده شده است ، انتقاد / انتقاد از خود نه بصورت
از خودبیخود شدن و انفجار گاه بگاه بلکه باید بصورتی دائم انجام پذیرد .
اینکار باید در پرتو توجه به خصوصیات شخصی و سطح رشد و سازندگی هر

مبارز انجام پذیرد. اینکار "شیرین کردن فرصت تلخ" نیست، بلکه کوشش در جهت یافتن بهترین شکل انجام انتقاد / انتقاد از خود فردی است.

د - نقش عمل

حرب انقلابی یک سازمان برای عمل است و از طریق نجارب ناشی از عمل است که نیروی بالقوه و ظرفیت اعضای آن پرورش می‌یابد و رشد می‌کند. از طریق نجارب روزانه حرب و مبارزه طبقاتی، آگاهی مبارزاتی یک انقلابی مستحکم و آندیده شده و به بخشی از وجود او تبدیل می‌گردد. تنها عمل است که صحت تئوری و برنامه را نشان می‌دهد و تنها عمل است که ابتکار و خلاقیت لازم برای انجام وظایف را برای یک مبارز فراهم می‌آورد.

اما عمل، همانطور که فلا" گفته‌ایم، باید بصورت آگاهانه، نقد و ارزیابی شده و بر پایه تحلیل، برنامه‌ریزی و ارزیابی بنا نهاده شده باشد. تا زمانیکه این شرایط وجود ندارد، عمل صرفاً "به عکس‌العمل‌های لحظه‌ای در شرایط مفروض تقلیل پیدا می‌کند و از تعبیر واقعیت بطریقی انقلابی عاجز خواهد بود.

ژ - نقش سرمشق سازی

آخرین صحنی را که ما تحلیل می‌کنیم نقش سرمشق سازی در سازندگی و شکل دادن تربیت یک کادر است. عمل سرمشق ساختن دو نقش محزا بازی می‌کند. یک نقش آن خاطر نشان ساختن چگونگی انجام کار برای رشد و افزایش دانش عملی است. در حقیقت، بعلمت نمایش عملی چگونگی انجام کار، مبارزان کار را بهتر از زمانی که صرفاً توضیح داده می‌شود، می‌توانند انجام دهند.

نقش دیگر سرمشق سازی، تربیت اخلاقی کادر است و بدین ترتیب امکان نمودار ساختن شایستگی رهبران حزب بوجود می آید، نقش سرمشق - سازی در شکل گیری تربیت اخلاقی یک کادر علیرغم اهمیت تحلیل و توضیح عقلانی و درک تئوریک، بسیار اساسی است. تنها زمانیکه بر فردگرایی، جاه طلبی های شخصی غالب آمده ایم و روح جمعی رفاقت، ظرفیت فداکاری و از خودگذشتگی، شجاعت و قاطعیت - را نمودار ساخته ایم، می توانیم همین خصوصیات را در رفقای خود پرورانیم. در این زمینه بیش از هر زمینه دیگری، قضاوت و عقیده مردم در باره دیگران بوسیله آنچه که آنها انجام می دهند و نه آنچه که آنها می گویند تعیین می شود و شکل می گیرد. اما تنها رهبران یا کادرهای خاص نیستند که باید بصورت یک مبارز انقلابی نمونه و قابل سرمشق عمل کنند. هر مبارز انقلابی رهبر یک گروه یا بخش از طبقه کارگر و توده هاست و باید در راه توسعه آن بخش مبارزه کند و اگر یک مبارز خصوصیات اخلاقی و انقلابی خود را توسعه نبخشد، نمی تواند در زمینه پرورش اخلاقی گروه یا بخشی از طبقه کارگر و توده ها موفق باشد. از طرف دیگر تنها زمانیکه اخلاق انقلابی در کل حزب توسعه یافته و حکمفرما باشد امکان پرورش و گسترش آن در تمام سطوح رهبری امکان پذیر می گردد. در این زمینه، سرمشق سازی نمی تواند تنها به چهارچوب فعالیت حزبی محدود گردد، بلکه باید در ارتباط با کل فعالیت احتماعی مبارز انجام پذیرد. ما برای ایجاد یک جامعه جدید و یکسوع انسان نوین که قادر به غلبه بر جدائی میان زندگی عمومی و خصوصی و دورویی و عدم صداقت جامعه طبقاتی باشد مبارزه می کنیم. کافی نیست که فقط جنبه عمومی زندگی مبارز به حزب تعلق داشته باشد و زندگی خصوصی او خارج و تحت تسلط فواین، موازین و ارزشهای اخلاقی دیگری باقی بماند. مبارز انقلابی باید در فعالیتهای خصوصی و سیاسی خود معیارهای یکسانی را در رفتار خود بکار برد. او باید

در تمام موارد، یک نمونه زنده از اخلاق نوین و تجسم عینی یک انسان کامل آینده یعنی انسان یک جامعه سوسیالیستی باشد.

۶- تربیت کادر و ساخت تشکیلاتی حزب

ما بعضی از نکات مختلف را که قبلاً در مورد نقش ساختهای سازمانی مختلف حزب در پرورش یک کادر انقلابی شایسته و کامل، عضو حزب انقلابی پرولتاریا، ارائه داده‌ایم، خلاصه می‌کنیم.

پایه حزبی (پائین‌ترین سطح ساخت حزب) نقشی اساسی در تربیت کادر ایفا می‌کند. در درون این پایه است که عضو تجربه کسب می‌کند، از دیگران سرمشق می‌گیرد و می‌آموزد و خصلت‌های کارجمعی را پرورش می‌دهد. هر پایه حزبی باید رشد تربیتی اعضای خود و اهداف موردنظری را که آنها دنبال می‌کنند مورد تجزیه و تحلیل روزانه قرار دهد. پایه حزبی باید، یک برنامه واقع‌بینانه برای رشد و پرورش اعضای طرح نماید، برنامه‌ای که در آن وظایف بسحوی تنظیم شده‌اند که تمام امکانات بالقوه موجود در بطن هر وظیفه برای آموزش کادر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. سازمان دادن فعالیت‌های پایه حزبی، ماهیت بحثها، انجام وظایف، مناظره‌های سیاسی و انتقاد / انتقاد از خود تماماً عواملی هستند که باید با توجه به شرایط مشخص هر پایه بتفصیل تحلیل شوند.

مسئولان تشکیلات حزبی در سطح پایه مسئولیت عظیمی برای شکل دادن به تربیت و رشد اعضای حزب بر عهده دارند. در واقع برنامه پرورش کادر باید براساس اطلاعات و دانسته‌های مربوط به گسترش و رشد خود ساختمان حزب طرح‌ریزی گردد. این کار بوسیله فراهم آوردن وسیع‌ترین و مناسب‌ترین اطلاعات ممکن در مورد وظایفی که باید انجام پذیرد و بخصوص دلایل انجام آنها برای کلیه اعضاء، بهره‌گرفتن از تجارب سایر پایه‌ها و

ساختهای حزبی، تشویق دموکراسی داخلی، انجام صحیح اصول مرکزیت دموکراتیک و تأکید بر ارزیابی وظایف انجام شده و انتقاد / انتقاد از خود انجام می‌پذیرد. سطح پرورش مسئولین پایه‌های حزبی و رهبری منطقه‌ای، باید به همین ترتیب تحلیل شود و برنامه‌ای برای اعتلاء آن طرح گردد.

کمیته‌های منطقه‌ای مسئولیت اجراء وظایف بیشتری از آنچه تاکنون بطورکلی برای مسئولین پایه‌های حزبی گفته‌ایم برعهده دارند. در این سطح سایر فعالیت‌های سازنده‌ای مانند مطالعه اسناد، برگزاری جلسات و دوره‌های کوتاه هم امکان‌پذیر و هم ضروری است.

کمیته مرکزی و شورای عالی (کمیسیون) سیاسی حزب مسئولیت اجراء خط مشی سیاسی و تاکتیک‌های بیشتر از لیست ساده وظایف لازم‌الاجراء باشد. در توضیح معنای خط مشی و تاکتیک‌های سیاسی حزب باید تأکید بسیار گذاشته شود تا برای کلیه حزب، حد اعلاى زمینه ممکن در جهت تسهیل تصمیم‌گیری در مورد این وظایف بوجود آید. کمیته مرکزی منابع بسیاری از قبیل بررسی اسناد حزب، روزنامه سراسری در سطح کشور، طرح‌ریزی وظایف و سرانجام آموزش از طریق سرمشق دیگران بودن را در اختیار دارد که می‌تواند برای رشد و اعتلای تربیت کادر بکار گیرد.

بالاخره، هر رهبر حزب، چه رئیس یک پایه سمپاتیزان‌های حزبی یا دبیرکل باید کاملاً اهمیت نقشی را که در اعتلای پرورشی رفقای‌شان بصورت مبارزان انقلابی باید ایفا کنند، دریابند. آنها باید رفقای خود را کاملاً بشناسند و تواناییها و ضعفهای آنها را کاملاً درک نمایند. آنها باید قادر باشند که وظایف را به کادرها به آنچنان نحوی محول کنند که کارآیی حزب و رشد و پرورش خود کادر کاملاً در نظر گرفته شده باشد. آنها باید شخصاً کادر را در انجام وظایف محوله رهبری کرده و جهت دهند و بصورت یک سرمشق روحیه انقلابی عمل کرده و در عین حال همیشه از آموختن از رفقای را که تحت رهبری دارند، استقبال نمایند.

باوقی

برای درک درست تر مطالب این حوزه ضروری است که مختصراً "نقطه نظر سازمان (میر) را در باره حزب انقلابی پرولتاریا توضیح دهیم. سازمان (میر) در این باره "در کتاب جنبش چپ انقلابی شیلی را بشناسیم" چنین اعلام نموده است:

"حزب انقلابی پرولتاریا، یک سازمان پیشاهنگ پرولتری که در ارتباط و پیوند با توده‌هاست، می‌باشد. این به معنی اینست که (حزب) قادر بوده است که خود را از لحاظ سازمانی و تشکیلاتی به اکثریت پرولتاریا پیشاهنگ و از طریق آن به اکثریت طبقه کارگر و توده‌ها پیوند دهد. این پیوند از طریق یک پروسه طولانی که در طی آن کارگران و مردم از طریق تجارب خودشان به اعتبار و قدرت سیاست انقلابی پی برده‌اند، تشبیه گشته است."

"این یک سازمان پرولتری پیشاهنگ است که در ارتباط نزدیک با توده‌ها قرار دارد. مبارزه، با تجربه و قادر به بکاربرد تمام اشکال لازم مبارزه، مسلحانه و غیرمسلحانه تحت متفاوت‌ترین شرایط است. در نتیجه مبارزینش باید کادرهای انقلابی کاملی بوده که در زمینه‌های تئوریک، ایدئولوژیک، سیاسی، سازمانی، نظامی، تکنیکی و اخلاقی پرورش و رشد کامل یافته باشند. آنها باید در هر لحظه قادر باشند که در هر بخش جنبش توده‌ای نقش خود را بعنوان رهبر، سازمانده و مربی توده‌ها بعهده گیرند. کاملاً واضح است که این حزب انقلابی باید یک سازمان سیاسی - نظامی باشد."*

* صفحه ۲۵

(میر) می‌افزاید: "از هسته انقلابی کنونی، میر به حزب انقلابی پرولتاریا تبدیل خواهد شد."

"تبدیل (میر) به حزب انقلابی پرولتاریا شیلی، یعنی برقرار ساختن پیوند تشکیلاتی و سازمانی با اکثریت پرولتاریای پپشاهنگ محکم‌ترین تضمین برای پیروزی است." ***

۲- رفرمیسم Reformism

"با وجودیکه رفرمیسم یک پدیده تاریخی پیوسته و کاملاً شناخته شده‌ایست، رفرمیسم امروزی در اصول "همزیستی مسالمت‌آمیز"، "گذار مسالمت‌آمیز به سوسیالیسم" و سیاست "تشنج‌زدائی یا "دانت" جلوه‌گر شده است. رفرمیسم، بعنوان یک انحراف از مارکسیسم - لنینیسم، متکی بر برداشتی مکانیکی و اکونومیستی از تکامل تاریخی است، که براساس آن پس از آنکه سوسیالیسم برتری خود را بعنوان یک سیستم اجتماعی اثبات نمود، سرمایه‌داری باید جای خود را به سوسیالیسم واگذار نماید. از نقطه نظر استراتژیکی، رفرمیسم در پی اصلاح نمودن گسترش هرچه بیشتر دموکراسی بورژوازی است تا بتواند شرکت قشرهای وسیعتری از طبقه کارگر و توده‌های مردمی را در آن میسر سازد. برطبق ادعای رفرمیسم، بسط دموکراسی بورژوازی و به اتمام رسیدن رشد و پیشرفت سرمایه‌داری قبل از هر اقدام برای ایجاد هر نوع تغییر و تحولی ضروری است. این در شیلی به این معنی است، که طبقه کارگر استراتژی اتحاد و همکاری نزدیک با بورژوازی (سرمایه‌داران) صنعتی، بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی را برگزیند.

این بلوک (bbc) اجتماعی سپس بر علیه امپریالیسم، انحصارات

بین‌المللی و اولیگارش‌ی زراعتی و نه بر علیه سرمایه‌داری مبارزه خواهند کرد. " ❖

جنبش چپ انقلابی شیلی (میر) که نمود فرمیسم را در شیلی حزب کمونیست شیلی می‌داند در ادامه بحث درباره استراتژی فرمیسم می‌نویسد: "استراتژی حزب کمونیست شیلی بر نقطه‌نظر انقلاب در چند مرحله متکی است. بر مبنای این نظر در اولین مرحله ضروری است که با بخش "مترقی"، "متکی بخود" و "مستقل" سرمایه‌داری برای مبارزه بر علیه امپریالیسم و بقایای فئودالیسم (بوسیله انحصارات چند ملیتی والیگارش‌ی زراعتی نمایندگی می‌شود) متحد شد. در طی این اولین مرحله که هدف آن آزادی ملی است، برخورد بین امپریالیسم و ملت خواهد بود (تضادهای طبقاتی در بین ملت ثانوی هستند). در طی مرحله دوم است که پرولتاریا با سرمایه‌داری مقابله خواهد کرد. اما این مرحله به یک آینده نامشخص، مجهول موكول شده است" ❖❖

I. S. A.
Denton

❖ صفحه ۱۲ و ۱۳ جنبش چپ انقلابی شیلی را بشناسیم.

❖❖ صفحه ۶۲، ۶۳ جنبش چپ انقلابی شیلی را بشناسیم.

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

بازتکسیراز : سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا هوارار
" سازمان چریکهای فدایی خلق ایران